

شروط رهبر انقلاب و قانون هسته‌ای مجلس، ابتکار عمل را از دست طرف بدعهد در برجام خارج می‌کند

زیرساخت لغو تحریم



خروج از برزخ!

مهدی خاندانی‌زاده: در ادبیات روابط بین‌الملل، تعریف مشخصی از «برزخ» یا اصطلاحاً «یلما» وجود دارد؛ اصطلاحی که بیشتر در حوزه امنیت مطرح می‌شود و از سوی «کنت والتز»، نظریه پرداز مطرح آمریکایی ارائه شده است اما بسیاری دیگر از اندیشمندان، این تعریف را در حوزه‌های مرتبط با منافع ملی نیز وارد کرده‌اند. معروف‌ترین مدل است در روابط بین‌الملل که به وضعیت اشاره دارد که در آن اقدامات یک دولت جهت افزایش ضریب امنیتی خود، از جمله افزایش قدرت نظامی یا ایجاد اتحادهای سیاسی یا نظامی با دیگر دولت‌ها، می‌تواند منجر به ایجاد سوءظن در نزد دیگر دولت شود که می‌تواند چرخه‌ای از عمل و عکس‌العمل را به وجود آورد و باعث دامن زدن و انتقال نگرانی‌های دو یا چند طرف در سطوح بالاتر شود و ناامنی را تشدید کند. این امر به صورت بالقوه می‌تواند منجر به تولید در فضای بین‌الملل از جمله نزاع میان دولت‌ها شود؛ در حالی که هیچ یک از دولت‌ها واقعا خواستار آن نبوده‌اند.

چنین رویکردی را می‌توان در حوزه‌های دیگر نیز در نظر گرفت. به عنوان مثال، زمانی که شرایط برای امنیت و منافع ملی یک کشور به نحوی طراحی شود که هر گونه اقدام در مسیر سیاست خارجی - فارغ از ارزش گذاری آن - موجب آسیب به منافع ملی آن کشور شود و به این صورت، قدرت تصمیم‌گیری در فضای بین‌الملل از چند نشست با طرف اروپایی، یکی از بهترین مصادیقی که می‌توان این مدل را برای

تحلیل آن به کار برد، وضعیت کشورمان در دوران پسارجام و تحت مدیریت دولت حسن روحانی است. زمانی که در تیرماه ۱۳۹۴، محمدجواد ظریف به همراه فدریکا موگرینی، مسئول وقت هماهنگی سیاست خارجی اتحادیه اروپایی رویه‌وری دوربین‌های تلویزیونی ایستادند و از «برنامه جامع اقدام مشترک» رونمایی کردند، بسیاری از کارشناسان نسبت به مفاد این توافق هسته‌ای که «برجام» نامیده شد، ابراز نگرانی و تردید کردند؛ دیدگاهی که با انتشار متن کامل برجام، مشخص شد چندان هم بیراه نبوده است.

برخی تعهدات ایران در این توافق تا اندازه‌ای غیرمنطقی و برخلاف منافع ملی بود که امضای آن توسط تیم مذاکره‌کننده کشورمان، سوال‌های زیادی را درباره کیفیت مذاکرات مطرح کرد. از طرف دیگر، هیچ تضمینی برای پایبندی طرف غربی - بویژه ایالات متحده آمریکا - به تعهداتش در برجام وجود نداشت؛ نکته‌ای که هم در کمیسیون ویژه برجام مجلس

به تیم وزارت امور خارجه و شخص دکتر ظریف تذکر داده شد و هم بارها از سوی رسانه‌ها و منتقدان بیان شد اما در نهایت به آنها توجهی نشد و منتقدان از سوی آقای رئیس‌جمهور، بی‌سواد خوانده شدند. ذوق زدگی دولتی‌ها از قدم زدن با وزیر امور خارجه، برای واکنش‌های پیشرفته IR2M و IR6 افزایش داد و در نهایت منافع ملی ایران را به نفع طرف غربی برد و برگزاری چند نشست با طرف اروپایی، اجازه دیدن واقعیت را به تیم ایرانی نداد و همین

در شرایطی که به نظر می‌رسد هم چوب و هم پیاز برجام قرار است علیه کشورمان به کار گرفته شود، راهبرد هوشمندانه و مبتنی بر حراست از منافع ملی، زمین بازی جدیدی ایجاد کرد؛ یعنی بازگشت به تعهدات برجامی در قبال لغو تحریم‌های آمریکا و راستی‌آزمایی کشورمان

مساله سبب شد منافع ملی ایران، قربانی «مضای جان‌کری» شود. این روند ادامه یافت تا نهایتاً پیتی کاشنسی کارشناس محقق شد و رئیس‌جمهور وقت آمریکا (ترامپ) در اردیبهشت ۱۳۹۷ رسماً از برجام خارج شد و نه تنها تعهدات واشنگتن را طبق این توافق اجرایی نکرد، بلکه حتی اقدام به وضع تحریم‌های سنگین علیه کشورمان کرد؛ تحریم‌هایی که در زمان ریاست‌جمهوری باراک اوباما طراحی شده بودند و برخی از آنها نیز توسط دونالد ترامپ اعمال شدند. بعد از این اقدام آمریکا با وجود اتفاق نظر کارشناسان مبنی بر لزوم واکنش محکم و قاطع ایران به این اقدام آمریکا که البته باز هم با سستی و عدم همراهی دولت همراه بود،

به نظر می‌رسد نوعی از ابهام و سردرگمی درباره نوع واکنش به خروج کاخ سفید از این توافق در میان نخبگان سیاسی وجود دارد. متن ضعیف و پراهم برجام، منافع ملی ایران را بدون هیچ تضمینی به رفیق طرف غربی زده بود و امتیازی نیز در این زمینه در آن برای تهران وجود نداشت،

به نحوی تنظیم شده بود که هم پایبندی به آن باعث تحمیل هزینه به کشور می‌شد و هم خروج از آن و همین مساله، شرایط را برای تصمیم‌گیری سخت کرده بود. دولتی که قرار بود توافقی به صورت «برد - برد» برای کشور به رفیق طرف غربی راه را برایش گشاید کرد که هر ۲ سوی آن «باخت» برای منافع ملی بود.

بر همین اساس بود که کاهش گام به گام تعهدات برجامی ایران در دستور کار قرار گرفت و تهران با استناد به عدم پایبندی طرف اروپایی به تعهداتش خود دلیل برجام را تعلق کرد. این روند تا پایان دولت دونالد ترامپ در آمریکا ادامه داشت تا اینکه آقای رئیس‌جمهور در انتخابات از رقیب دموکرات خود شکست خورد و «جو بایدن» ساکن جدید کاخ سفید نام گرفت. با روی کار آمدن بایدن و دولت جدید آمریکا، برخی سیاسیون داخلی با هدایت وزارت امور خارجه، مجدداً ساز مذاکره برای بازگشت آمریکا به برجام را کوک کردند.

در چنین شرایطی که باز هم منافع ملی در خطر بود و به نظر می‌رسید هم چوب و هم پیاز برجام قرار است علیه کشورمان به کار گرفته شود، اتخاذ یک رویکرد فنی و راهبرد هوشمندانه و کاملاً مبتنی بر حراست از منافع ملی ایران، زمین بازی جدیدی برای این مساله ایجاد کرد؛ راهبردی که از سوی رهبر انقلاب مطرح و پیگیری شد، یعنی بازگشت

سیاست «بازگشت آمریکا به انجام تعهدات [لغو مؤثر تحریم‌ها] و راستی‌آزمایی ایران»، علاوه بر اینکه کشورمان را از «برزخ» خلاص می‌کند، زمینه را برای تأمین همزمان و توانمند امنیت و قدرت ایران فراهم می‌کند

ایران به تعهدات برجامی در قبال لغو تحریم‌های آمریکا و راستی‌آزمایی کشورمان. بر مبنای این راهبرد، اتخاذ هر رویکردی از سوی واشنگتن، به عنوان یک دستاورد راهبردی برای کشورمان محسوب می‌شود، چرا که اگر آمریکا دست به اجرای تعهدات خود بزند، منجر به لغو تحریم‌ها علیه تهران می‌شود که دستاورد رشد اقتصادی و فروش

زمان علیه بایدن



گرفتند. بر این اساس، افراد نزدیک به رئیس‌جمهور منتخب آمریکا بازگشت این کشور به برجام را پرسه‌های زمانبر اعلام کرده و چندی بعد، از اینکه برجام سکویی برای دستیابی به یک توافق گسترده‌تر است صحبت به میان آوردند، تازه آن هم به آن شرط که ایران قدم اول را برداشته و به محدودیت‌های مفاد برجام بازگردد. دولت بایدن تصور داشت با استفاده از اهرم فشاری که ترامپ با تحریم‌هایش به رفیق گذاشته، تهران را به واگذاری امتیازات بیشتر ترغیب می‌کند اما پس از قتل اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها، حالا عقربه‌های ساعت برای آمریکا به سرعت می‌گذرد و زمان پیش از آنکه علیه ایران باشد، به ضرر دولت بایدن در حال حرکت است. تهران ۳ سال با سیاست‌های ضایعانه‌ی دولت ترامپ دست‌نخورده نماند و کارزار فشار حداکثری دولت انتقال آمریکا را با موفقیت پشت سر گذاشته و با وجود اینکه آمریکا تا نقطه انتهایی تحریم‌ها پیش رفته، ایران تاب‌آوری موفقی در مقاومت برابر این فشارها نشان داده است.

در چنین فضایی مصوبه مجلس با پر کردن دست دولت، برگ برنده تازه‌ای در لغو تحریم‌ها به نفع کشور رو کرده است. در شرایطی که ساعت به ساعت به ذخایر اورانیوم ایران با غنای ۲۰ درصد افزوده می‌شود، سانتریفیوژهای پیشرفته‌تر از نسل اول در حال استفاده در تلسیسات هسته‌ای کشور است و دسترسی‌های فراتر از پادمان شامل پروتکل الحاقی از آژانس سلب شده، این دولت بایدن خواهد بود که با گذشت زمان تحت فشار بیشتری قرار خواهد گرفت.

بر این مبنای انتقال «سنتان والت» استاد دانشگاه هاروارد، نظریه پرداز و نویسنده مطرح آمریکایی از اصرار دولت بایدن مبنی بر اینکه ایران باید نخستین گام را در زمینه برجام بردارد، معنا پیدا می‌کند. این نویسنده آمریکایی در این زمینه در توییت نوشت: «چنانچه دولت بایدن روند بازگشت به برجام را با اصرار بر برداشتن گام اول از سوی ایران تخریب کند - آن هم در شرایطی که آمریکا توافقی را در سال ۲۰۱۸ و به رغم پایبندی ایران ترک کرده - این نشانه‌ای خواهد بود مبنی بر اینکه آنها در دیپلماسی به آن اندازه‌ای یک سیاست مبهم همراه با سکوت درباره برجام را بی

گروه سیاسی: ایران در تازه‌ترین اقدام هسته‌ای بر اساس بند ۶ قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران» مصوب مجلس شورای اسلامی، از نخستین دقیقاً بعد از یک روز سه‌شنبه گذشته اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی و دسترسی‌های فراتر از پادمان را متوقف کرد.

به گزارش «وطن امروز»، اظهارات مقامات اروپایی و آمریکایی در واکنش به این اقدام اساسی تهران بخوبی نشان می‌دهد قانون هسته‌ای مجلس در همین ابتدای امر روند یکطرفه تعهدات در برجام را واژگون و ابتکار عمل را از دست آمریکا و ترونیکی اروپایی خارج کرده است.

در این راستا، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه اخیرش با شبکه NHK ژاپن هشدار داد در صورت عدم توافق آمریکا و قدرت‌های جهانی با ایران بر سر برنامه هسته‌ای این کشور، جامعه بین‌المللی با یک «وضعیت کاملاً جدید» مواجه خواهد شد. «افانل گروسی» در پاسخ به سوالی درباره کاهش دسترسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأکید کرد آژانس «از همان ابتدا این موضوع را بسیار جدی گرفت» و همین موضوع سبب پیگیری او برای انجام سفر به تهران شد. مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین توقف اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی توسط تهران برای توازن بخشی به تعهدات و تکالیف در برجام در پی قانون مصوب مجلس، بی‌تفاوتی غربی‌ها به تکلیفی بیشتر برای حل‌وفصل موضوع هسته‌ای تغییر وضعیت داد. کارکرد دیگر قانون مجلس، پایان بخشیدن به «دیپلماسی انتظار» بود که از سوی دولت پیگیری می‌شد. این قانون ایران را منتظر بازگشت ایالات متحده به برجام نشان نمی‌دهد، در حالی که از زمان انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، دولت‌مدران و دستگاه سیاست خارجی کشور، برای بازگشت آمریکا به توافق لحظه‌شماری می‌کردند و محمدجواد ظریف در این بین بازگشت دولت بایدن به توافق هسته‌ای را بسادگی صدور ۲-۳ فرمان اجرایی می‌دانست.

در این اثنا و پس از استقرار دولت دموکرات در کاخ سفید، بایدن و تیم سیاست خارجی‌اش اتخاذ یک سیاست مبهم همراه با سکوت درباره برجام را بی

عکوسازی اهرم فشار با آرایش جدید هسته‌ای



یک «فرصت‌سوزی دیپلماتیک» را مقابل کشورمان قرار داده است؛ چرا که در نتیجه اجرای برجام، برگه زمان از دست ایران خارج و در اختیار طرف مقابل قرار گرفت، به طوری که این اتفاق شده بودند برنامه ایران را در سطحی فریز کنند که هیچ‌گونه پیشرفتی برای ایران حاصل نشود و به انتظار نتیجه‌بخشی فشار تحریم‌ها بر اقتصاد ایران ننشسته و اینگونه کشورمان را برای واکنش‌های بیشتر در موضوعات غیرهسته‌ای مثل مسائل منطقه‌ای و موشکی مجاب کنند. با این وصف دولت وادار شد کاهش تعهدات برجامی را در دستور کار قرار دهد؛ این گام‌های جزئی‌اتی اگر چه در ۵ مرحله از سوی دولت اعمال شد اما طرف غربی چون این سیگنال را از داخل ایران گرفته بود که دولت روحانی تحت هر شرایطی حاضر نیست به برجام آسیب جدی وارد شود، عبور دولت از محدودیت‌های هسته‌ای را چندان جدی نگرفت تا جایی که در برخی موارد اشخاصی نظیر بریان هوک، نماینده ویژه امور ایران در دولت ترامپ و اماتونل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه گام‌های کاهش تعهد دولت را نمادین خواندند!

در چنین شرایطی مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها خط پایانی به بدعهدی طرف اروپایی و آمریکایی کشید و با این اقدام عملی و کارساز کفه ترازوی معادلات برجامی را به سوی ایران سنگین کرد.

با اهرم‌سازی از سوی مجلس، دولت بر اساس قانون مقابله با اقدام راهبردی، طی ۵۰ روز از اجرای این قانون مجبور شده است سطح غنی‌سازی اورانیوم را به ۲۰ درصد افزایش دهد، سرعت غنی‌سازی را با نصب ماشین‌های پیشرفته IR2M و IR6 افزایش دهد، تولید اورانیوم فازی را آغاز کرده و راه‌اندازی مجدد نیروگاه اراک را در دستور کار قرار دهد. توقف اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی که اقدامی مؤثر در کاهش سطح نظارت‌های آژانس است تا به اینجا آخرین قسمت از پازل آرایش جدید هسته‌ای ایران است. تمام اینها برای آمریکا و همبیمانان اروپایی‌اش که در تکاپوی فشار بر ایران و امتیازگیری بیشتر با اهرم تحریم‌ها هستند، یک تهدید معتبر روی میز است و برای آنها کابوس حقیقی خواهد ساخت. مجلس با تصویب یک طرح راهبردی این پیام را به کشورهای غربی فرستاد که در دوره جدید ایجاد فشار علیه ایران واکنش متناسب ایران را به دنبال خواهد داشت.

گروه سیاسی: خروج دولت آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک به فرمان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا را دیگر موضوع برنامه هسته‌ای کشور به عنوان یک مولفه حیاتی در اقتدار و امنیت ملی را در کانون توجهات قرار داد. در چنین نقطه‌نظری است که اهمیت قانون هسته‌ای مجلس تحت عنوان «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران» برای چشم‌های تیزبین خارجی و افکار عمومی داخلی ملموس‌تر به نظر می‌رسد. زمانی که ترامپ مقابل دوربین‌های تلویزیونی فرمان خروج کشورش از برجام را صادر کرد و به مشارکت ایالات متحده در توافق هسته‌ای خاتمه داد، که حاصل ۳ سال کوشش جمعی و مذاکرات فشرده ۵ کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل به علاوه آلمان و نماینده ارشد اتحادیه اروپایی در کنار جمهوری اسلامی ایران بود، برای همگان مشخص شد تیم مذاکره‌کننده ایرانی چگونه توان راهبردی هسته‌ای کشور را پای میز مذاکرات به امید آرایش‌های اندک تحریمی و البته با خوشبینی به طرف آمریکایی بذل و بخشش کرده است.

با این حال پس از پیگیری این رفتار اسراف‌گرایانه طرف ایرانی در مذاکرات برجامی، پس از خروج ایالات متحده از برجام و باز اعمال تحریم‌های ضد ایرانی توسط ترامپ آن هم ذیل پروژه کارزار فشار حداکثری که رئیس‌جمهور روحانی آن را جنگ اقتصادی می‌نامد، به طور طبیعی و مطابق با رویه متعارفی که در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل جریان دارد، این گمان و انتظار وجود داشت که دولت دوازدهم به ریاست حسن روحانی مبادرت به پاسخ متقابل در برابر بی‌قانونی آمریکا و این دشمنی آشکار کند، در کمال حیرت و شگفتی اما رئیس‌جمهور از خروج یک مزاحم استقبال و اعلام کرد از این پس برجام با ۴۱ به حیات خود ادامه می‌دهد! این موردی است که رهبر انقلاب دوشنبه گذشته در جمع اعضای مجلس خبرگان به آن اشاره کردند. رهبری در این باره اظهار داشتند: وقتی آمریکا از برجام خارج شد و دیگران هم با او همراهی کردند، دستور قرآن این است که تو هم تعهد را رها کن؛ با این حال باز هم دولت محترم ما تعهدات را رها نکرد. دولت روحانی بازه یکساله خروج آمریکا از توافق را «سیر راهبردی» و «فرصت به دیپلماسی» نامید اما عقربه‌های ساعت که در این مدت طی شده به ضرر ایران در حرکت بود، نشان می‌داد راهبردی حسن روحانی و محمدجواد ظریف پیش از آنکه فرصت به دیپلماسی باشد،